



وقتی یک روان پزشک اتریشی پس از سه سال اسارت در اردوگاه های کار اجباری آلمان آزاد شد، به یک نتیجه مهم علمی دست یافت که بعد ها یکی از مکاتب روانشناسی به نام معنا درمانی شد.

او در پی تجربه شخصی و مشاهده زندانیان دیگر نتیجه گرفت که انسان ها قادر هستند هر رنج و مشقتی را تحمل کنند، مادام که در آن رنج و مشقت **حکمت خاصی** را درک کنند. به عنوان مثال اگر دو برادر که از همه نظر همسان هستند را به مدت سه سال هر روز به بدترین شکل کتک بزنند و به اولی بگویند کتک خوردنش جزئی از یک تمرین ورزشی است و به دومی هیچ دلیلی برای کتک خوردنش ارائه ندهید، برادر اول بعد از سه سال به ورزشکاری قوی با اعتماد به نفس بالا و برادر دوم به انسانی حقیر و سرشار از عقده ها و کینه ها تبدیل می شود.

کتک خوردن و رنج برای هر دو یکسان است اما تفاوت در **حکمتی** است که می تواند به رنج کشیدن معنا بخشد. یکی به امید روزهای بهتر رنج می کشد و دیگری با هر ضربه، خُرد تر و حقیر تر می شود.

این مکتب و یا تفکر را می توان همان **وجود حکمت** و یا تلقین مثبت رایج میان مسلمانان نامید. چرا که وقتی به فردی گفته شود که فلان مساله و مشکل **حکمتی** دارد، این وجود حکمت باعث می شود مثبت اندیش بوده و به امید آن حکمت، تحمل رنج و مشکل را برای خود آسان سازد.

اینکه چگونه با سختی ها و مشقت های زندگی کنار بیاییم و به آنها واکنش نشان دهیم، نهایتا محصول یک تصمیم شخصی است. می توانیم تصمیم بگیریم به سختی ها و مصائب اجتناب ناپذیر زندگی از منظر **معنا و حکمت** نگاه کنیم تا در پس هر ضربه روحی و هر لطمه جسمی تنومندتر، مقاوم تر و آگاه تر بیرون بیاییم یا اینکه تصمیم بگیریم در بهترین حالت یک قربانی منفعل با حیاتی پر از غم باشیم.

در جمله آخر مثال دیگری را بیان می کنم. اینکه در حوزه علمیه در ابتدای سالهای درسی به همه ما می گویند ادبیات را قوی و خوب بخوانید و بدان اهمیت بدهید چرا که بعدا به درد شما خواهد خورد. دروس ادبیات عربی برای فارسی زبانان آن هم با درجه علمی کتاب هایی که برخی از آنها در دانشگاه های مطرح کشور های عربی تدریس می گردد، قطعاً سخت، مشکل و رنج آور خواهد بود. اما نشنیده ایم که طلبه ای از شدت فشار دروس ادبیات عربی جان به جان آفرین تسلیم کرده باشد. این همان معنا درمانی، تلقین مثبت و **حکمت های امیدساز** است که در حوزه علمیه به خوبی اجرا شده است.

دوست گرامی شما هم می توانید به درجات عالی برسید و از بهترین های دنیا باشید. شما می توانید مرجع تقلید باشید. می توانید مجتهد روانشناسی باشید. می توانید مجتهد مسائل کلان اقتصادی دنیا باشید اما به این شرط که باور داشته باشید، سختی و مشقات را به جان بخرید و با جدیت و تلاش برای وصول به **حکمت طلبگی** تان قدم بردارید. کسی نمیداند **حکمت طلبه** شدن شما چیست اما خودتان با شناختی که از خودتان دارید و با درصد توانایی تان در برابر سختی ها، قطعاً می دانید که در آینده قرار است چه جایگاهی داشته باشید. طلبه مجتهد علوم اقتصادی در قاره و یا طلبه مربی صالحین در مسجد محله تان با رویکرد جهانی. فرقی ندارد که کجا باشید. هر جا که باشید همان جا مرکز دنیاست. قانون زندگی، قانون باور هاست؛ بزرگان زاده نمی شوند، ساخته می شوند.

موفق و پیروز باشید.

برای مشاهده دیگر مقالات انگیزشی کلیک کنید